روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳
اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه شرق

◆ به مناسبت هفته محیط زیست، در مراسمی با عنوان اقدام ملی مسیر سبز ایران پاک، حاشیه جاده‌ها و مسیرهای ورودی شهر همدان از پلاستیک و زباله پاکسازی شد.
عکس: عبدالرحمن رأفت، تسنیم

دیالوگ روز

دونل - احمدرضا درویش - ۱۳۸۲

اسکندر (سعید راد): حَیّن قبلا بزرگ بود! نهر داشت، پول داشت، قدرت داشت. ولی جنگ قوم ما را کشت. ما شدیم علامت غرور دیگران. وقتی برگشتیم یا مین کاشته بودن تو زمینمون یا نیشکر. کسایی از ما یا زدن به آب برای فرار از خشکی یا سر نهادن به برهوت و هپروت یا نشستن رو زین سیاست! ما موندیم و یه مشت جل‌وپلاس و استخون جوون‌هامون زیر خاک! حالا گمشدمون پیدا شده، نه زیر خاک. زنده‌اس، ولی نه با غرور. تیر خودسری زینال خون جوون‌های حَیَّن رو به زمین ریخت، می‌دونُم. به قانون طایفه اون محکومه، ولی کدوم طایفه؟ کو نای نفس‌کشیدن؟!

خارک

دُر یتیم خلیج فارس

مهرشاد کاظمی: جزیره خارک در شمال غربی خلیج فارس و در ۳۵کیلومتری بندر گناوه واقع و به لحاظ موقعیت جغرافیایی و حضور اقوام آریایی تاریخچه چندهزارساله دارد. مرحوم جلال آل‌احمد بیش از ۶۰ سال پیش از جزیره خارک با عنوان «دُر یتیم خلیج فارس» یاد کرد و آن را در قالب کتابی منتشر کرد؛ توصیفی و شرحی که از آن روز جزیره داشته، همچنان پابرجاست. آری! یتیم است چون همچنان ناشناخته است. یتیم است چون با وجود اینکه مهد تمدن باستان و محل استقرار اقوام آریایی است، بسیاری از آن بی‌خبرند. یتیم است چون در محاصره لوله‌های نفتی است. چند روز پیش فرصتی فراهم آمد تا به این جزیره زیبا و باستانی سفر کرده و از نزدیک به تماشای جاذبه‌های گردشگری آن بنشینم. جاذبه‌های بسیار و تماشایی جزیره که باید برای آنها کتاب‌ها نوشت که در این مجال به چند مورد اشاره می‌کنم. قدیمی‌ترین اثر تمدنی موجود در جزیره، سنگ‌نوشته افقی یا خوابیده هخامنشی است که به زبان پارسی باستان و خط میخی نوشته شده است؛ این کتیبه به‌صورت افقی در سطح زمین مرجانی جزیره در پنج سطر و شش واژه نوشته شده که متخصصان آن را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «سرزمین خشک و بی‌آبی بود شادی و آسایش را آوردم». باستان‌شناسان این سنگ‌نوشته را قدیمی‌ترین سند خلیج فارس می‌دانند که تا به امروز پابرجاست. گورمعبدهای پالمیران ازجمله آثار باستانی و جذاب جزیره به‌شمار می‌رود، این اثر که در دامنه تپه خضر حفر شده است، به دوران اشکانیان و ساسانیان بازمی‌گردد. دفن مردگان در دخمه‌های سنگ‌های مرجانی به‌صورت طبقاتی و در کنار هم از آیین‌های زرتشتیان محسوب می‌شده و تزیینات حکاکی‌شده ورودی به گور دخمه‌ها از جذابیت‌های این اثر به‌جا مانده است.

بقایای کلیسای نسطوریان پس از هزارو ۶۰۰ سال یکی از جاذبه‌های مثال‌زدنی جزیره خارک است. گفته می‌شود مسیحیان ایرانی برای در امان بودن از فشار متعصبان زرتشتی به جزیره خارک پناه آورده و ضمن برخورداری از آسایش و آرامش، برای عبادت کلیسا ساخته و بقایایی از کوچه‌های سنگفرش‌شده منتهی به کلیسا و اتاق‌های استراحت پیرامون آن نشان از حضور قابل‌توجه پیروان آیین مسیحیت دارد. از آثار دیدنی جزیره نقش نوعی بازی، شبیه بازی نرد با دو ردیف پنج‌تایی است که در جای‌جای جزیره بر روی سطح سنگ‌های مرجانی خودنمایی می‌کند. اگرچه آثار باستانی جزیره، بیش از موارد اشاره‌شده است، اما به دلیل رعایت اختصار به چند اثر از آثار تاریخی دوره ایران بعد از اسلام می‌پردازم. شاخص‌ترین این بناها آرامگاه و زیارتگاه میرمحمد حنفیه از آثار دوره ایلخانی به سال ۷۳۸ ه.ق است که دو گنبد هرمی‌شکل دارد که یکی از آنها شبیه گنبد آرامگاه دانیال نبی در شوش است؛ کاشی‌کاری‌های زیبا و بی‌نظیری زیر گنبد به سبک زرین‌فام از جاذبه‌های این اثر تاریخی دوره اسلامی به شماره می‌رود. گفتنی است معمار این بنا شخصی به نام علی‌بن حسین بخارایی است که مزار وی در محوطه بیرونی واقع شده است. بقعه علمدار و بقعه میرعبدالله از آثار تاریخی کمتر محافظت‌شده جزیره است که در معرض آسیب قرار گرفته و تاکنون به ثبت ملی نرسیده است. وجود قنات‌های آب شیرین موجود به جذابیت‌های این جزیره افزوده است. به‌علت عدم لایروبی، آبی در این قنات‌ها جاری نیست؛ مانند قنات اُدنه، اما می‌توان به‌راحتی وارد آنها شد و از خنکی هوای داخل آن بهره برد. از جلوه‌های طبیعی این جزیره رفت‌وآمد امن و آزاد آهوان است که بسیار دیدنی و تأمل‌برانگیز است و به‌راحتی می‌توان آنها را آزادانه در گوشه‌وکنار جزیره مشاهده کرد. وجود درختان نخل، لیل یا انجیر معابد که ریشه انبوه آن به جای راهیابی به عمق زمین، به سمت آسمان و پیچیده در تنه درخت رشد و نمو کرده یا درختان کنار یا سدر که وجودشان منبع تغذیه حیات وحش است، جملگی از دیگر جاذبه‌های طبیعی جزیره خارک به شمار می‌رود. سواحل زیبا و چشم‌نواز و زلالی آبی که مثل اشک چشم عمق بستر دریا را نمایان می‌کند و همچنین باغ‌های پرمحصول خرما مثل باغ آذرپاد و باغ پیرمرد، با برداشت آزادانه از آن، تفرجگاهی برای بومیان جزیره به شمار می‌رود. آنچه ناگفته ماند، این است که جزیره خارک در مالکیت و قلمرو شرکت نفت ایران است و ورود به آن مستلزم اخذ اجازه کتبی است؛ اگرچه شرکت نفت گام‌های زیادی برای رفاه شهروندان جزیره برداشته است، اما جا دارد تا وزارت نفت توجه ویژه‌ای به حفظ میراث گرانسنگ و منحصربه‌فرد این جزیره و سایر محوطه‌های میراثی تحت نظارتش داشته باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود وزارت نفت با همکاری وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل یا دفتری به‌منظور حفاظت از میراث فرهنگی و باستانی در کشور هم‌زمان با طرح‌های توسعه‌ای خود ایجاد کند تا با نگاه پدرانه همواره حافظ این گنجینه ارزشمند باشد. امید است روزی گردشگران بتوانند آزادانه از مواهب این جزیره بهره‌مند شوند. چنین باد.

شکایت مردان علیه زنان آزاردیده

در هفته گذشته دو مرد بازیگر که به آزار جنسی و تعرض از سوی زنان متهم شده بودند، به خانه سینما و دستگاه قضا شکایت کردند.

سه‌شنبه ۱۷ خرداد

در نشست خبری «مسعود ستایشی» سخنگوی قوه قضائیه، خبر عجیبی منتشر شد. این مقام مسئول در قوه قضائیه در واکنش به ادعاهای مطرح‌شده در فضای مجازی درباره تعرض به برخی سینماگران گفت: «مسائلی که اخیرا در فضای مجازی مطرح شده (ادعاهایی در مورد تعرض به برخی سینماگران) تلخ و تأسف‌آور است. افراد می‌توانند در قالب طرح شکایت کیفری، موضوع را مطرح کنند که ما رسیدگی کنیم. امروز از طرف فردی که به او اتهام تعرض زده بودند، شکایتی صورت گرفته است. دستگاه قضا به دور از هیاهو پرونده را بررسی و تصمیم‌گیری لازم را اتخاذ خواهد کرد». با پیگیری‌های خبرنگار مشرق مشخص شد که «ح ر» یکی از افراد مورد اتهام جنبش می‌تو در ایران از دو بازیگر زن سینما و تلویزیون طرح شکایت کرده است. این دو بازیگر ترانه علیدوستی و شبنم فرشادجو بودند. درواقع پس از آنکه زنان حاضر در سینما از تعرض‌ها و ناامنی‌هایی که وجود دارد، پرده برداشتند، نام پنج نفر تکرار شد. شبنم فرشادجو در پستی خطاب به بقیه همکارانش نوشت: «همکارانی که این افراد را فالو دارید لطفا منو فالو نکنید». ترانه علیدوستی نیز این پست را بازنشر داد. حالا این دلیلی است که عنوان می‌شود «ح ر» از آنان شکایت کرده است.

دوشنبه ۲۳ خرداد

سمیه میرشمسی اعلام کرد «ف ا » از او شکایت کرده است. او نوشت: «دوشنبه هفته گذشته در نخستین تماس رسمی از «خانه سینما» متوجه شکایت آقای ... از خودم در شورای صیانت خانه سینما شدم» و البته تأکید کرد در هیچ جلسه‌ای از شورای صیانت خانه سینما شرکت نخواهد کرد.

جنبش در حال تلاش

در این چند ماه که از آغاز شکل‌گیری این جنبش می‌گذرد، اتفاقات متفاوتی برای آن رخ داده است که به نظر می‌رسد از پخته‌شدن، قوی‌شدن و همراهی بیشتر زنان سینما برای بهبود شرایط خبر می‌دهد. بیش از دو سال بود که ماجرای روایت از آزار جنسی بیان می‌شد. این روند درباره سینماگران هم آغاز شده بود. هنگامی که «سمیه میرشمسی» با نام خودش از آزارهایی که پشت صحنه از «ف ا»دیده بود، نوشت، چند نفر دیگر نیز تجربیات مشابه خود را بیان کردند. پس از آن بود که موج همدلی‌ها آغاز شد و زنان سینماگر بیانیه‌ای با عنوان «بیانیه زنان دست‌اندرکار سینما در اعتراض به خشونت علیه زنان در این عرصه» منتشر کردند. در ابتدا حدود ۳۰۰ نفر بودند و بعد تعدادشان به ۸۰۰ زن رسید . آنان در ۱۲ فروردین امسال در نامه‌ای از خانه سینما درخواست کردند تا کمیته‌ای مستقل تشکیل شود و این کمیته متشکل از کسانی باشد که در مورد مسئله خشونت جنسی و جنسیتی آموزش دیده باشند و کارشان بررسی جرائم این حوزه باشد. آنان در اعتراض به خشونت علیه زنان در عرصه سینما این درخواست را مطرح کرده بودند. اما خانه سینما آن زمان بیانیه داد که شورای صیانت به استناد وظایف و اختیارات خود مندرج در اساسنامه خانه سینما، مسئولیت رسیدگی به هرگونه رفتاری مغایر با شئون فرهنگی و اخلاق حرفه‌ای اهالی سینما را بر عهده دارد و همچنین خانه سینما به نوعی خود را از انجام و پرداختن به این اتفاق کنار کشید و گفت: «خانه سینما رسیدگی و پیگیری درخصوص احقاق حقوق کلیه افراد فعال در صنعت فیلم ایران را که مورد هرگونه خشونت رفتاری قرار گیرند از وظایف ذاتی خانه سینما می‌داند و در انجام آن از هیچ‌گونه اقدامی پرهیز نخواهد کرد. بدیهی است رسیدگی به این موضوعات با رعایت مطلق محرمانگی صورت خواهد گرفت».

همان موقع زنان دریافتند باید مسیر خود را عوض کنند، این شورا از نظر آنها فاقد استقلال لازم بود و پیش آمده بود که روایت زنان سینماگر را فعالانه سرکوب کرده‌اند. بعد از رأی‌گیری اینترنتی با حضور ۵۰۰ زن در روزهای ۱۹ و ۲۰ فروردین، کمیته پنج‌نفره رسیدگی به آزار و خشونت جنسی در سینما با حضور هانیه توسلی، ترانه علیدوستی، سمیه میرشمسی، غزاله معتمد و مارال جیرانی تشکیل شد. در همین روزها بحث رسیدگی به یک فرد متعرض در خانه تئاتر نیز مطرح شد؛ اینکه چگونه ۱۲ زن با اعتراض به رفتار این مرد به سراغ خانه تئاتر رفتند، اما شکایتی که کرده بودند، عواقب چندانی برای این فرد به دنبال نداشت و حتی نام او در رسانه‌ها منتشر نشد. از سوی دیگر برخی فشارها مانند حمله به صفحاتی که در این مورد تشکیل شده بود یا درباره این موضوع می‌نوشتند، پیش آمد. به نظر می‌رسید فضا به شکلی خاص در حال بسته‌شدن بود.

شورای صیانت

حالا و پس از سه ماه که از اعتراضات به این مسائل می‌گذرد، به‌جای پرداختن به شرایط و مسائل زنان و آزارهایی که به آنان شده است، شورای صیانت از یکی از زنان آزاردیده خواسته در نشست و جلسه شرکت کند. هرچند سمیه میرشمسی در نامه‌ای خطاب به«محمدعلی نجفی»، رئیس شورای صیانت خانه سینما، دلایل نرفتن و شرکت‌نکردن خود در این نشست را بیان کرده است.

مسیر دشوار

اینکه مردان به‌جای پذیرفتن اشتباه و رفتارهایی که از آنها سر زده، این‌گونه به سراغ شکایت رفته‌اند، نشان می‌دهد که برای بهبود شرایط مسیر دشواری در پیش است؛ مسیری که به نظر می‌رسید زودتر طی شود. اما این دو شکایت خبر از رفتاری دیگر می‌دهد. شاید بهترین راه برای طی این مسیر همین نکته‌ای باشد که ترانه علیدوستی بعد از جریحه‌دارکردن احساسات به دلیل انتشار یک عکس یادآوری کرد: «من با مسئولیت‌پذیری تمام آماده‌ام که هر خسارت روحی را که به راویان وارد شده جبران کنم. من هم در کنار شما در حال تمرین و آموزش هستم و می‌دانم که در مسیر پیش‌رو ممکن است دچار اشتباه هم بشوم». البته همه این نظر را ندارند و چهار نفر از زنان سینماگر، امضای خود را پس گرفته و معتقدند نباید بدون دادگاهی‌شدن اتهامات را باور کرد؛ رفتاری که به نظر ادامه مسیری است که در گذشته طی شده است. اما در نهایت این هشدار زنان سینماگر را نباید فراموش کرد: «به جامعه سینمایی ایران در مورد شدت و گستردگی این آزارها علیه زنان که اکنون برای اولین بار اعتراض به آن به یک فریاد جمعی تبدیل شده است، هشدار می‌دهیم؛ آزارهایی که علی‌رغم آشکاربودنشان در تمام این سال‌ها نادیده گرفته شده‌اند».

نقد هفته

تعلم و تأهل

امیر عربی
چشم‌پزشک

اخیرا و پس از برگزاری جلسات مختلف، شرایط پذیرش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها دستخوش تغییراتی شد. در پی یکی از این تغییرات برای افراد متأهل و دارای فرزند امتیازاتی در نظر گرفته شد. متعاقبا عده‌ای در موافقت و عده‌ای در مخالفت با این تغییرات اظهارنظر کردند. مخالفان با ارجح‌دانستن صلاحیت علمی در پذیرش استادان آینده دانشگاه، ازدواج و دارابودن فرزند را جزئی از این صلاحیت علمی قلمداد نمی‌کنند، ولی موافقان بر لزوم تأهل به عنوان شاخصی از بلوغ فکری و صلاحیت اخلاقی و اجتماعی تأکید دارند. برخی هم این قانون را مشوقی برای ترویج ازدواج در بین افراد تحصیل‌کرده و دانشگاهی می‌دانند. فارغ از درستی و نادرستی این مصوبات، به‌راستی رابطه تأهل و پیشرفت علمی چگونه است؟ حدود ۶۰ سال پیش چند مطالعه بزرگ در کشورهای توسعه‌یافته مطرح کرد که بیشتر افراد تحصیل‌کرده و شاغل در دانشگاه‌ها مجرد هستند. نویسندگان این مقالات توضیح دادند که احتمالا افراد مجرد فرصت بیشتر و چالش کمتری برای پیگیری مسائل تحصیلی خود دارند و وقتی به مقامات بالای علمی و دانشگاهی می‌رسند با توجه به شرایط سنی دیگر انگیزه یا برورویی برای ازدواج و تشکیل خانواده ندارند. اما چند دهه بعد و با انتشار بعضی آمار از اعضای هیئت‌علمی و دانشمندان رشته‌های مختلف دانشگاهی نتایج متفاوتی مخابره شد. نتایج جدید عنوان کرد که اتفاقا درصد بالایی از افراد علمی شاغل در دانشگاه‌ها متأهل هستند و حتی در کشورهای توسعه‌یافته میانگین تعداد فرزند در این افراد بیشتر از افراد خارج دانشگاهی و دارای تحصیلات پایین‌تر است. بررسی‌های تکمیلی در این فقره نهایتا علاقه‌مندان به این موضوع را قانع کرد که احتمالا رابطه نقطه به نقطه و مستقیمی بین تجرد یا تأهل و پیشرفت علمی وجود ندارد. در واقع مرتبط‌کردن وضعیت تأهل به دانش‌اندوزی به شکل خام و بدون درنظرگرفتن عوامل مختلف شاید کار درستی نباشد. یکی از این «عوامل مختلف» شرایط اقتصادی دانشمندان و اعضای هیئت‌علمی است. روند کاهشی دستمزدها و مزایای این قشر در کشور در سال‌های اخیر خواه‌ناخواه در میان‌مدت و بلندمدت تغییراتی در ترکیب تأهل/تجرد استادان دانشگاه ایجاد خواهد کرد. مثلا پیش‌بینی می‌شود با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی اعضای هیئت‌علمی، خصوصا برای آقایان متأهل که مسئولیت اداره خانواده و فرزندان را بر عهده دارند، در سال‌های آینده شاهد کاهش استقبال مردان متأهل از تصدی کرسی‌های استادی در دانشگاه باشیم. در این بین احتمالا این کرسی‌ها بیشتر مورد استقبال افراد مجرد یا خانم‌های متأهلی قرار می‌گیرد که از طرفی استرس مدیریت مالی خانواده را ندارند و از طرفی نام استادی دانشگاه اعتمادبه‌نفس خود و خانواده‌شان را افزایش می‌دهد. با درنظرگرفتن احاطه کامل مسائل اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های افراد در زمینه‌های مختلف، شاید بهبود شرایط اعضای هیئت‌علمی از منظر مالی و دستمزد مهم‌ترین چالش جامعه استادان باشد، نه تغییر شرایط پذیرش از منظر تأهل یا سن و... .

حقوق‌خوانی

از دادگاه دپ-هرد چه می‌توان آموخت؟

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

یک‌هفته‌ای از اعلام رأی دادگاه جنجالی دو ستاره هالیوود، یعنی جانی دپ و امبر هرد می‌گذرد. رسانه‌های دنیا به شکل گسترده و کم‌نظیری جلسات دادگاه و مدافعات طرفین را پوشش دادند و هرچند اصل ماجرا اختلاف حقوقی دو همسر سابق بود ولی به دلیل شهرت دو طرف پرونده، موضوع برای مردم عادی هم جذابیت داشت. اما آیا از تجربه این پرونده می‌توان برای پیشرفت نظام حقوقی ایران بهره گرفت؟ ابتدا باید پرونده را مرور کنیم: دپ و هرد در سال ۲۰۱۵ با هم ازدواج کردند و در سال ۲۰۱۷ از هم جدا شدند. دپ از هرد به دلیل افترا شکایت کرد، زیرا هرد در مقاله‌ای در روزنامه «واشنگتن‌پست» خود را قربانی خشونت خانگی نامیده بود. محاکمه دپ در برابر هرد در آوریل ۲۰۲۲ آغاز شد، این محاکمه شش‌هفته‌ای در اول ژوئن ۲۰۲۲ با رأی هیئت منصفه در هر سه مورد مطرح‌شده به نفع دپ پایان یافت و مبلغ ۱۵ میلیون دلار خسارت به او اختصاص داده شد. اولین نکته، مجرمانه‌بودن عمل افترا در نظام حقوقی ایران است. به بیان ساده افترا یعنی انتساب فعل مجرمانه به دیگری. بر مبنای اصل بیست‌ودوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حیثیت افراد از تعرض مصون است. همچنین مطابق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد». پیگیری جرم افترا نیازمند شکایت شاکی خصوصی است و دادستان رأسا این پرونده را به جریان نمی‌اندازد. در قانون مطبوعات (که با توجه به توسعه روزافزون فناوری بخش بسیار اندکی از فضای رسانه‌ای را ضابطه‌مند می‌کند) مواد مفصل‌تری به موضوع افترا می‌پردازد. در بند (۸) ماده ۶ قانون مطبوعات (۱۳۶۴) که در فصل چهارم تحت عنوان «حدود مطبوعات» قرار دارد «افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد» توسط نشریات منع شده است. فردی که به او افترا زده شده است علاوه بر شکایت از نشریه می‌تواند با استناد به ماده ۲۳ قانون مطبوعات ظرف یک ماه پاسخ خود را برای نشریه ارسال کند و آن نشریه مکلف است پس از دریافت در اولین فرصت در همان صفحه و ستون مجانی چاپ کند. در خصوص صداوسیما نیز حکم مشابهی وجود دارد. بر اساس اصلاحاتی که مجلس ششم در سال ۱۳۸۱ در «قانون اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۶۲) انجام داد و سرانجام در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ (یک روز پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و به احتمال زیاد تحت تأثیر سخنان محمود احمدی‌نژاد در مناظره‌های تلویزیونی) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، «چنانچه در برنامه‌های پخش‌شده سازمان از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد و یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف گردد، مراحلی برای احقاق حق پیش‌بینی شده است: ابتدا مدعی می‌تواند اعتراض خود را کتبا به سازمان صداوسیما منعکس نماید. سازمان صداوسیما در صورت قبول اعتراض، ظرف ۲۴ ساعت پاسخ وی را به صورت عادلانه، حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان پخش نماید. در صورت عدم توافق میان معترض و سازمان صداوسیما، وی می‌تواند موضوع را برای رسیدگی به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما منعکس نماید، چنانچه صداوسیما از اجرای مصوبه شورا خودداری کند، معترض می‌تواند به دادگستری شکایت کند و شعبه مربوطه باید ظرف یک هفته حکم صادر نماید». همه این موارد جنبه کیفری موضوع بود. نکته مهم که در پرونده دپ-هرد مطرح شد و واکنش افکار عمومی را برانگیخت، تعیین خسارت برای عمل افترا و میزان بالای آن است. طبق ماده ۱۴ «قانون آیین دادرسی کیفری» (۱۳۹۲) شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. در تبصره نخست این ماده می‌خوانیم: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت یا اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید». پس دادگاه کیفری منعی برای تعیین خسارت مادی یا معنوی در جرم افترا ندارد. جالب اینکه در ماده ۱۰ «قانون مسئولیت مدنی» که در سال ۱۳۳۹ یعنی بیش از ۶۰ سال قبل تصویب شده، جبران خسارت مادی و معنوی در مورد افترا پیش‌بینی شده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». متأسفانه در پرونده‌های از این دست، افراد به دنبال محکوم‌کردن طرف مقابل از بعد کیفری هستند و دادگاه (جز در مواردی که مجازات را تبدیل به جزای نقدی می‌کند) حکم به حبس و شلاق خواهد داد. در بیشتر موارد شاکی به دلیل فشار افکار عمومی یا اطرافیان که مجازات را شدید می‌دانند، رضایت خود را اعلام می‌کند. در واقع نه فرد افترازننده تنبیه می‌شود و نه تعیین مجازات در افکار عمومی جنبه بازدارنده پیدا می‌کند. با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود، طرح دعوی از طریق حقوقی برای جبران خسارات مادی و معنوی از سوی فرد آسیب‌دیده از افترا و تعیین خسارتی متناسب با توجه به ارزش پول ملی توسط قضات با بهره‌گیری از کارشناسان رسمی دادگستری می‌تواند علاوه بر ترمیم بخشی از تألمات روحی شاکی، با ایجاد رویه‌های جدید، جنبه بازدارنده بیشتری از مجازات داشته و به سیاست کیفرزدایی نیز کمک کند.